

# تاریخ تحولات ارزشیابی برنامه درسی در ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۳/۱۲/۰۸

## زینب گلزاری<sup>۱</sup>

### مقدمه

با وجود اینکه ارزشیابی یکی از مهم‌ترین مباحث قلمرو برنامه درسی است، مباحث ناظر بر آن در قلمرو برنامه درسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که کتاب‌ها و مقاله‌های مختص به ارزشیابی برنامه درسی بسیار کمتر از منابع موجود در سایر زمینه‌هاست (مهرمحمدی، ۱۳۸۹). از لحاظ تاریخی، واژه «ارزشیابی برنامه درسی» برای اشاره به مفهیمی مختلف ولی به هم مرتبط استفاده شده که در منابع پژوهشی به‌خوبی ترسیم و مشخص نشده است. برخی نویسندگان از ارزشیابی برنامه درسی، برای اشاره به «ارزشیابی محصول برنامه درسی» و برخی دیگر برای اشاره به «ارزشیابی از برنامه درسی» استفاده نموده‌اند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۹). همچنین در فرهنگ لغت فارسی، ارزیابی و ارزشیابی به یک معنا به کار گرفته شده است.

### روند تغییرات مهم و اثرگذار

بعد از پیروزی انقلاب و بازگشایی دانشگاه‌ها، واحد درسی ارزشیابی آموزشی در برنامه درسی دوره‌های کارشناسی ارشد و روش‌های ارزشیابی آموزشی در دوره کارشناسی در برخی گرایش‌های علوم تربیتی منظور گردید. با آغاز تدریس این درس در دانشگاه‌های کشور، کتاب ارزشیابی آموزش و کاربرد آن در سواد آموزی تابعی اثر ه. س. بولا توسط عباس بازرگان (از پایه‌گذاران این رشته) ترجمه و منتشر شد که به همراه چند مقاله منتشر شده در نشریات مختلف کشور، مجموعه دانش منتشر شده در زمینه ارزشیابی آموزشی به حساب می‌آید. پس از آن کتاب روش‌های ارزشیابی آموزشی را شاید بتوان اولین تلاش رسمی در زمینه تدوین مباحث مربوط به ارزشیابی آموزشی در حوزه علوم تربیتی قلمداد نمود (کیامنش، ۱۳۷۳). در مجموع، تحولات ارزشیابی برنامه درسی در ایران، بر اساس تغییر و تحول ارزشیابی در سایر کشورها هفت مرحله را پشت سر گذاشته است. شش مرحله اول آن، با مراحل مطرح شده در طبقه‌بندی مدوس<sup>۲</sup>، استافل بیم<sup>۳</sup> و اسکریون<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) به نقل از موسی‌پور (۱۳۸۷)، انطباق داده شده که با عناوین دوره بی‌نیازی (۱۲۷۹-۱۱۷۹)، دوره آگاهی (۱۳۰۹-۱۲۸۰)، دوره تلاش رسمی (۱۳۲۴-۱۳۱۰)، دوره دشواری (۱۳۳۶-۱۳۲۵)، دوره علاقمندی (۱۳۵۱-۱۳۳۷)، دوره اقدام (۱۳۷۰-۱۳۵۲) معرفی شده است. در دهه هفتاد با تغییر نظام آموزش متوسطه و تلاش برای تغییر دوره‌های پیش از متوسطه، کوشش برای طراحی الگوهای ارزشیابی آغاز شد و مرحله هفتم با عنوان دوره خیزش و امیدواری (۱۳۷۰ تا کنون) شکل گرفت. آموزش و پرورش ایران در دوره بی‌نیازی، بیشتر مبتنی بر مکتب‌خانه بوده که در اساس با ارزشیابی همراه نبوده است. شاید بتوان آموزش و پرورش مکتب‌خانه‌ای را کم و بیش شکل اولیه ارزشیابی غیر رسمی قلمداد کرد که توسط افراد علاقمند به تحصیل برای خود یا فرزندان آنان انجام شده است. مدرسی که در طی این مهر و موم‌ها راه اندازی شده‌اند با الگوگیری از مدارس اروپایی شروع به کار کرده و بیشتر مواد درسی و برنامه‌ها ترجمه شده بوده‌اند. لذا ارزشیابی برنامه درسی به معنای متداول امروزی در این مدارس دیده نشده است (مکتبی و حنیفی، ۱۳۸۴).

zgolzari@yahoo.com

2. Madaus, G.F

3. Stufflebeam, D

4. Scriven, M.S

۱. دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات آموزشی

دوره آگاهی در ایران، با فعالیتهایی رسمی از طریق سفرهای سردمداران و اعزام دانشجو برای سامان بخشیدن به فعالیتهای آموزش و پرورش صورت گرفته است. با آغاز دوره مدرن سازی در عصر قاجار، به نظام آموزشی توجه ویژه‌ای شده و ارزشیابی کم و بیش مورد عنایت مسئولان قرار گرفته است؛ اما این ارزشیابی بیشتر به ارزشیابی عملکرد دانش آموزان و ارتقای تحصیلی آنان معطوف بوده است (رینگر، ترجمه حقیقت‌خواه ۱۳۸۰، به نقل از کیامنش و حسنی ۱۳۸۸).

اولین سند معتبر در حوزه آموزش و پرورش قانون معارف است که در سال ۱۲۸۹ تصویب شد. این وزارتخانه با تصویب جایگزینی کلمه فرهنگ به جای کلمه معارف در فرهنگستان ایران، در سال ۱۳۱۷ به وزارت فرهنگ تغییر نام داد (صافی ۱۳۸۵، به نقل از کیامنش و حسنی ۱۳۸۸). اما در زمینه ارزشیابی اولین سند رسمی به نظام‌نامه مکتب مربوط است که در سال ۱۳۰۲ در پنجاه و سومین جلسه شورای عالی معارف تصویب شد (کیامنش و حسنی، ۱۳۸۸). این دوره را می‌توان کم و بیش آغاز فعالیتهای رسمی ارزشیابی قلمداد کرد، اگرچه کمتر می‌توان ارزشیابی برنامه درسی در آن نظاره نمود. ارزشیابی مدارس در این دوره توسط بازرسان دولتی به صورت جمع‌آوری اطلاعات و ارائه گزارش بوده که بیش از آنکه به مسأله اصلاح مدارس نظر داشته باشد یک ابزار سیاسی بوده است (موسی پور، ۱۳۸۷).

در دوره تلاش رسمی، برنامه‌ها و قوانین متعددی برای آموزش و پرورش تهیه شد که چندان دوامی نداشته و با سرعت تغییر کرده است. اساسنامه تشکیلات اداره برنامه‌ها و امتحانات در سال ۱۳۱۸ با هدف اصلاح و بهبود برنامه‌های آموزشی شکل گرفت. این اساسنامه را می‌توان هسته اولیه تفکر در مورد ارزشیابی نظام آموزشی کشور برشمرد (کیامنش و حسنی، ۱۳۸۸). با تصویب قانون آموزش و پرورش اجباری و رایگان در سال ۱۳۲۲، تلاش برای متمرکز کردن برنامه‌های درسی توسط دولت افزایش یافت. در این دوره نوع خاصی از ارزشیابی برنامه درسی حاکم شد که توسط یک سازمان مرکزی و به شیوه رسمی انجام می‌شد. البته برنامه درسی در اینجا بر معنای محدود آن یعنی کتاب درسی تمرکز داشت. اگر چه فعالیتهای پراکنده‌ای در این دوره برای بررسی برنامه درسی توسط صاحب‌نظران و معلمان انجام شد، اما عمدتاً با اتکالی به نظرات شخصی و به شکلی غیر منسجم صورت گرفت. فعالیتهای دفتر تطبیق کتاب‌های درسی نیز بر مبنای قواعد و نظامی معین اجرا نمی‌شد (ره‌آورد، ۱۳۲۷؛ ریاحی، ۱۳۴۲، به نقل از موسی پور، ۱۳۸۱).

در دوره دشواری تا سال ۱۳۳۶، ارزشیابی برنامه درسی کم و بیش روال پیش را داشته و ارزشیابی برنامه درسی به شکل رسمی توسط ادارات وزارت فرهنگ انجام شد. این فعالیت به تطبیق محتوا با سرفصل تهیه شده محدود بوده و به ندرت اقدامی برای ارزشیابی برنامه درسی صورت گرفت. در این دوره فقدان ملاک‌های مشخص برای ارزشیابی برنامه درسی و تعداد قابل‌توجه کتاب‌های درسی، شورای عالی فرهنگ را بر آن داشت تا اساسنامه‌ای تنظیم کند. طبق این اساسنامه، کتاب‌های درسی به‌منظور حصول از صحت مطالب، هماهنگی با برنامه، رعایت نظم منطقی، هماهنگی اصطلاحات، سادگی و روانی عبارات و ملاحظات تربیتی در کمیسیون‌هایی مورد رسیدگی قرار گرفته و ناشران باید در چاپ کتاب‌ها، نکات مورد نظر وزارت فرهنگ را مراعات می‌کردند (نائینی، ۱۳۶۲، به نقل از صافی، ۱۳۶۵ و موسی پور، ۱۳۸۱).

از سال ۱۳۴۲، با تصویب هیأت وزیران، سازمانی برای تألیف و تدوین کتاب‌های درسی بوجود آمد که باعث تحولی در ارزشیابی برنامه درسی شده است. یک سال بعد، وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۳ از وزارت فرهنگ جدا شد و اداره کل امتحانات در وزارت آموزش و پرورش شکل گرفت. در این اداره کل، دو معاونت «تحقیقات و ارزشیابی» و «معاونت اجرایی» پدید آمد (کیامنش و حسنی، ۱۳۸۸). در دوره علاقمندی، برنامه‌های درسی تحت نظارت و مدیریت اداره نظارت و ارزشیابی مورد ارزشیابی قرار گرفتند. برای ارزشیابی کتاب‌های درسی از روش‌های مختلفی همچون نظرخواهی از معلمان، اولیای دانش‌آموزان، گروه‌های آموزشی و تحلیل نمرات درسی دانش‌آموزان بهره گرفته شد (اداره نظارت و ارزشیابی، ۱۳۴۹، به نقل از موسی پور ۱۳۸۱). سندهای موجود بیانگر اولین فعالیتهای سازمان یافته ارزشیابی در این دوره هستند که اداره نظارت و

ارزشیابی انجام داده است. به هر حال، روح حاکم بر ارزشیابی در این دوره، کمی نگری است و تمام سعی و تلاش ارزشیابی آن بوده که نتایج خود را با عدد و رقم نشان دهند (مرکز تحقیقات و برنامه درسی، ۱۳۵۰، به نقل از موسی پور، ۱۳۸۱). اما تغییر نظام آموزشی در انتهای دهه ۱۳۴۰، زمینه را برای حاکمیت ارزشیابی‌های رسمی و غیر رسمی در دهه ۱۳۵۰ را فراهم نمود. پژوهش‌های ارزشیابی در دوره اقدام رشد قابل توجهی را تجربه نمود. ویژگی‌های اساسی پژوهش‌های ارزشیابی این دوره را می‌توان به رشد کمی، حاکمیت جهت‌گیری کمی (کمی نگری)، یکسان انگاری پژوهش و ارزشیابی، تمرکز بر الگوی هدف محور، توجه به زمینه‌های نظری و مفهوم پردازی برشمرده (موسی پور، ۱۳۸۱).

از ابتدای دهه هفتاد تا کنون، با آغاز دوره خیزش و امیدواری، علاوه بر تلاش صاحب‌نظران برای معرفی مبانی نظری و اهمیت عملی ارزشیابی در حوزه‌های تربیتی و اقدام به ارزشیابی و تربیت نیروی انسانی از سوی دست اندرکاران نظام آموزشی، الگوهای بومی برای ارزشیابی برنامه‌های درسی طراحی شده است. تلاش برای فراهم کردن دانش سازمان‌یافته و تخصصی در حوزه ارزشیابی، توجه به آموزش‌های تخصصی، توجه به ارزشیابی برنامه‌های آموزشی و تلاش برای تهیه الگوهای ارزشیابی از ویژگی‌های اساسی این دوره است.

### صاحب‌نظران حوزه ارزشیابی برنامه درسی

نگاهی به ادبیات موجود ارزشیابی برنامه درسی در ایران نشانگر این است که هنوز منبع خاصی خواه با رویکرد نظری و خواه با رویکرد عملی برای ارزشیابی برنامه‌های درسی عرضه نشده است (آقازاده و خسروی، ۱۳۸۷). با این حال، در دوره‌های مختلف تاریخ تحولات ارزشیابی، از صاحب‌نظران این حوزه، پژوهش‌هایی به ثبت رسیده است. سندهای موجود در دوره علاقمندی، بیانگر اولین فعالیت‌های سازمان یافته ارزشیابی هستند به غیر از دانشجویان کارشناسی ارشد، پژوهشگران آزاد نیز کمتر به ارزشیابی برنامه درسی اقدام کرده‌اند و بیشتر ارزشیابی‌های این دوره زیر نظر اداره نظارت و ارزشیابی، سازمان تدوین کتاب‌های درسی و با نگاه کمی صورت گرفته است. صاحب‌نظران این دوره با انتشار کتاب و مقاله، بیشتر سعی در افزایش آگاهی از روش‌های ارزشیابی و اهمیت آن داشته‌اند. نصف (۱۳۴۸) از جمله پژوهشگران این دوره است (موسی پور، ۱۳۸۱). دوره اقدام در ایران شاهد رشد قابل توجه پژوهش‌های ارزشیابی بوده است. این پژوهش‌ها اگر چه همچنان رویکرد کمی داشته‌اند، اما با حضور پررنگ‌تر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت همراه بوده است. اسناد موجود در بانک اطلاعاتی علوم تربیتی نشان می‌دهند که دویست و هفتاد مورد پژوهش ارزشیابی تا نیمه سال ۱۳۷۵ درباره موضوعات آموزشی انجام شده که بیش از نود و پنج درصد آن‌ها بعد از سال ۱۳۵۰ به اتمام رسیده است (موسی پور، ۱۳۸۱). از پژوهشگران این دوره می‌توان به بازرگان (۱۳۶۲)، صافی (۱۳۶۵)، خادمی (۱۳۶۷) و سیف (۱۳۶۷) اشاره کرد.

در دهه هفتاد، گزارش‌های ارزشیابی از برنامه درسی توسط صاحب‌نظران و کارشناسان، به سفارش مؤسسات و مراکز پژوهشی وابسته به آموزش و پرورش ارائه شد. تلاش‌های دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، به‌منظور ارزشیابی و کیفیت‌بخشی به برنامه‌های درسی، در پایان این دهه، شکل جدی‌تری به خود گرفته است. ارزشیابی برنامه درسی در رشته‌های مختلف به سفارش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی از این جمله است. به‌عنوان نمونه، با تغییر نظام آموزش متوسطه از سال ۱۳۷۱، ارزشیابی دروس ریاضی و هندسه، سه بار مورد ارزشیابی و مشکلات مربوط مورد بررسی قرار گرفتند (کیامنش، ۱۳۷۳). همچنین چهار مرحله ارزشیابی جامع از نظام جدید متوسطه در مهر و موم‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵، به سفارش مرکز تحقیقات آموزشی صورت گرفته است (کیامنش و همکاران، ۱۳۷۵-۱۳۷۱).

ارزشیابی با رویکرد علمی و به‌منظور ارتقاء و تضمین کیفیت از سال ۱۳۷۹ با اختصاص ردیف اعتباری ارزیابی و اعتبار سنجی علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، توسط مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی



سازمان سنجش آموزش کشور صورت گرفت (جنبشی، ۱۳۸۹). ارزشیابی آموزش عالی که به گونه سیستماتیک و علمی از وزارت بهداشت آغاز شد، در سال ۱۳۷۵ توسط دفتر نظارت و ارزیابی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، بر اساس تجارب سنجش آموزش عالی، در سطح ملی و بین‌المللی، طرح ارزشیابی درونی را در شش گروه آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی به اجرا درآورد (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۹ به نقل از رومیانی، ۱۳۹۰). ارزشیابی درونی تمام گروه‌های پزشکی داخلی در بیش از سی دانشگاه در سال ۱۳۷۵ به اجرا در آمد و بازتاب مثبت آن نظر برنامه ریزان آموزش عالی در مقیاس کلان را به ارزشیابی آموزش عالی جلب کرد (کلباسی، ۱۳۸۳؛ رومیانی، ۱۳۹۰).

### وضعیت موجود ارزشیابی برنامه درسی

اولین نگاهت برنامه درسی ملی، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، بهمن‌ماه ۱۳۸۷ آماده شد. همزمان با بررسی و تصویب سند تحول بنیادین در شورای عالی آموزش و پرورش در آذر ۱۳۸۸، فعالیت بررسی و اصلاح برنامه درسی ملی نیز سرعت یافت و در سال ۱۳۹۱ به تصویب نهایی رسید (حاجی بابایی، ۱۳۹۱). رسالت برنامه درسی ملی که فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی در سطوح ملی تا محلی است، در مبحث ارزشیابی، به‌منظور فراهم آوردن اطلاعات توصیفی و قضاوتی برای درک بیشتر، هدایت، تصمیم‌گیری و پاسخگویی نسبت به میزان اثر بخشی، دستورالعملی در هشت بند تنظیم و در اختیار کارشناسان قرار داده است. (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

### نتیجه‌گیری

ارزشیابی برنامه درسی در دو حوزه عمومی ارزشیابی آموزشی و سنجش و اندازه‌گیری ریشه دارد و ظهور آن در ایران به سال ۱۲۸۰ برمی‌گردد. ارزشیابی آموزشی به‌عنوان حوزه تخصصی مستقل برای اولین بار در دانشگاه بوعلی همدان در سال‌های ۱۳۵۰ رواج پیدا کرد (کیامنش، ۱۳۷۳). با وجود تغییرات مفهومی که در برنامه درسی و ارزشیابی صورت گرفته، نظریه ارزشیابی برنامه درسی و روش‌شناسی آن، در ۲۰ سال اخیر تغییر چندانی نیافته است. اگر چه الگوهای جدید برنامه درسی طراحی شده است، اما در ارزشیابی برنامه درسی همچنان بر روش‌های سنتی تکیه می‌گردد. از ابتدای دهه هفتاد، همزمان با آغاز دوره خیزش و امیدواری، سند راهنمای برنامه درسی بر اساس مصوبه شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۷۹) به گروه‌های درسی ابلاغ شده است. این راهنما سندی مشتمل بر اهداف و اصول دوره تحصیلی، رویکرد و منطق حاکم بر برنامه درسی، اهداف ماده درسی، محتوا و سازماندهی آن، روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی است. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی نیز طی آیین‌نامه‌ای، فرایند تولید برنامه درسی مشتمل بر طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی را ابلاغ کرده است. در این آیین‌نامه، اعضای کمیته پژوهش و ارزشیابی در یک‌بند از مسئولیت‌های محوله، موظف به ارزشیابی و اعتباربخشی برنامه و کتاب‌های درسی شده است (منشور مدیریت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف، ۱۳۷۹). همچنین بر اساس بند هشت برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، بازنگری و به‌روزرسانی برنامه درسی ملی بر اساس نتایج ارزشیابی به عمل آمده حداکثر در فواصل زمانی ۵ تا ۱۰ ساله به پیشنهاد سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش انجام خواهد شد.

### فهرست منابع

آقازاده، محمد. سنه، افسانه. (۱۳۸۸). اشاعه و کاربست نتایج ارزشیابی برنامه درسی. *نوآوری‌های آموزشی*، ۸ (۳۲)، ۱۹۰-۱۵۴.  
بازرگان، عباس. (۱۳۶۲). *ارزشیابی آموزشی و کاربرد آن در سواد آموزی تابعی*. تهران: نشر دانشگاهی.



- بازرگان، عباس. (۱۳۸۸). چگونگی ارزشیابی برنامه درسی میان‌رشته‌ای. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی*، ۱ (۳)، ۵۵-۶۶.
- بازرگان، عباس. و محمدی، رضا. (۱۳۸۳). چارچوب و راهنمای تدوین گزارش ارزشیابی درونی در سطح گروه آموزشی. تهران: سازمان سنجش آموزش کشور.
- جنبشی، عاطفه. (۱۳۸۹). بررسی نقش ارزشیابی درونی در بهبود کیفیت آموزشی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی دانشگاه علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد رودهن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی، تهران: دانشگاه آزاد رودهن.
- جلالی پور، یاور. (۱۳۷۷). ارزشیابی برنامه درسی جدید آموزش ابتدایی مراکز تربیت معلم از نظر پاسخگویی به نیازهای حرفه‌ای دانشجوی معلمان از دیدگاه مدرسان، مدیران و دانشجویان. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
- حسینی، محمد. احمدی، غلامعلی. (۱۳۸۶). زمینه‌یابی اجرای ارزشیابی کیفی - توصیفی در مدارس ابتدایی شهر تهران. نوآوری‌های آموزشی، ۶ (۲۳)، ۸۵-۱۲۲.
- خادمی، ملوک. (۱۳۶۷). نقش اصلی ارزشیابی در نظام آموزش و پرورش. تربیت، ۳۱، ۳۸-۳۶.
- خوش خلق، ایرج. و شریفی، حسن پاشا. (۱۳۸۵). ارزشیابی اجرای آزمایشی ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی برخی از مناطق آموزشی کشور. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۲ (۴)، ۱۴۸-۱۱۷.
- رومیایی، مرتضی. (۱۳۹۰). ارزشیابی درونی گروه آموزشی آموزش و پرورش دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش و پرورش ابتدایی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۶۷). اندازه‌گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی. تهران: نشر آگاه.
- صافی، احمد. (۱۳۶۵). آموزش و پرورش متوسطه در ایران. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲ (۱)، ۱۰۵-۵۱.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۹). الگوهای ارزشیابی برنامه درسی. در م. مهرمحمدی (ویراستار)، برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها. تهران: سمت.
- قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۸۹). ارزشیابی برنامه درسی رشته الکترونیک. موسسه پژوهش برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، گروه پژوهشی و اعتبار بخشی و ارزشیابی از برنامه‌های درسی.
- کلباسی، افسانه. (۱۳۸۳). بررسی ارزیابی درونی به عنوان اولین مرحله از فرایند اعتبار سنجی: مطالعه موردی گروه‌های آموزشی دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- کنیکی، ل. (۱۳۸۷). راهنمای عملی ارزشیابی برنامه درسی. ترجمه، م. آقازاده و ع. ا. خسروی. تهران: آبیژ.
- کیامنش، علیرضا. (۱۳۷۳). روش‌های ارزشیابی آموزشی. تهران: پیام نور.
- کیامنش، علیرضا. و حسینی، محمد. (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظام ارزشیابی تحصیلی ایران از منظر ارزشیابی نظام آموزشی. نوآوری‌های آموزشی، ۸ (۳۰)، ۱۰۳-۷۵.
- کیامنش، علیرضا. و صفرخانی، مریم. (۱۳۸۹). کند و کاو در یک دهه انتشار مقالات فصلنامه تعلیم و تربیت در قلمرو ارزشیابی آموزشی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۰۳، ۱۱-۳۲.
- کیامنش، ع. و همکاران. (۱۳۷۹). سنجش صلاحیت‌های پایه، ارزشیابی درون داده‌ها و برون داده‌های آموزشی در ایران (پایه پنجم ابتدایی). تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- مشفق آرانی، بهمن. و ابیضی، حجت‌الله. (۱۳۷۲). ارزشیابی برنامه، محتوا و امکانات آموزشی مراکز تربیت معلم. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی.
- مقصودی، مجتبی. و همکاران. (۱۳۹۱). ارزشیابی برنامه درسی کارشناسی ارشد آموزش شیمی. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، گروه آموزش علوم، ریاضی و فن‌آوری.
- مکتبی، سید حبیب. و حنیفی، فریبا. (۱۳۸۴). سیر تحولات آموزش و پرورش در ایران. تهران: فراشناختی اندیشه.



مهجور، سیامک رضا. (۱۳۷۴). ارزشیابی تکوینی، مفهوم و نقش آن در افزایش سودمندی مواد و فعالیت‌های آموزشی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۴۱ و ۴۲، ۶۶-۸۵.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۲). نظام ارزشیابی از آموخته‌های دانش آموزان یا ایدئولوژی عملیاتی شده نظام آموزشی. تهران: دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی وزارت آموزش و پرورش.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۹). برنامه درسی (نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها). تهران: سمت.

موسی پور، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). گزارش نهایی بررسی تاریخچه وضعیت موجود نظام برنامه‌ریزی درسی در ایران. تهران: دبیرخانه طرح تولید برنامه درسی ملی.

موسی پور، نعمت‌الله. (۱۳۸۱). مقایسه تطبیقی روند تحولات ارزشیابی آموزشی در غرب و ایران. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۸ (۲)، ۱۱۱-۱۳۵.

مؤمنی مهمویی، حسین. و کرمی، مرتضی. (۱۳۸۶). ارزشیابی برنامه درسی مبتنی بر رویکرد ساخت و ساز گرایشی: راهبردی نوین در ارزشیابی برنامه درسی در دوره ابتدایی. پژوهش‌های تربیتی، ۱۱، ۱۶۲-۱۸۷.

نصفت، مرتضی. (۱۳۴۸). اصول ارزشیابی در آموزش و پرورش. ماهنامه آموزش و پرورش، ۱۱۴، ۳۸-۴۰.

هومن، حیدر علی. (۱۳۷۵). زمینه ارزشیابی برنامه‌های آموزشی. تهران: نشر پارسا.